

مدیر کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان خبر داد

رشد چشمگیر تملک زمین واگذاری آن به اقشار محروم و طرح جوانی جمعیت در خراسان رضوی

مدیر کل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی با تأکید بر اینکه زمین مهم‌ترین زیرساخت توسعه و تأمین مسکن است، گفت: در سه سال اخیر، میزان تملک زمین در استان بیش از دو برابر میانگین ۱۵ سال گذشته بوده‌و واگذاری زمین نیز رشد چشمگیری داشته‌است؛ ریززمین‌های در اختیار بنیاد مسکن متعلق به مردم بوده و باید برای رفع نیاز مسکن آن‌ها در خدمت قرار بگیرد.

به گزارش روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی، خلیل منبئی در دوره‌های آموزشی «زمین»، «قانون الحاق» و «قانون الزام» که با حضور کارشناسان حوزه زمین و سند اداره کل و شهرستان‌های استان برگزار شد، زمین را اصلی‌ترین رکن توسعه و اجرای برنامه‌های عمرانی دانست و بر ضرورت تسریع در واگذاری اراضی به متقاضیان تأکید کرد.

وی با بیان اینکه هیچ برنامه عمرانی و توسعه‌ای بدون تأمین زمین امکان تحقق ندارد، اظهار کرد: در حوزه عمران روستایی و اجرای طرح‌های مسکن، نخستین و مهم‌ترین موضوع، تأمین زمین است. زمین‌هایی که در اختیار بنیاد مسکن قرار دارد، متعلق به مردم است و نباید نگاه انبساطی یا ذخیره‌سازی نسبت به آن وجود داشته باشد.

رشد بیش از دو برابری تملک زمین در سه سال اخیر

منبئی با ارائه آماری از عملکرد حوزه زمین در استان گفت: از ابتدای سال ۱۳۸۸ تا پیش از سه سال اخیر، در مجموع ۵هزار و ۲۸۷ هکتار تملک زمین داشتیم که میانگین سالانه آن حدود ۳۵۲ هکتار بوده است. این در حالی است که در سه سال اخیر، ۲ هزار و ۵۰۷ هکتار زمین تملک شده که به طور میانگین سالانه ۸۳۶ هکتار را شامل می‌شود؛ آماری که نشان‌دهنده رشد قابل توجه فعالیت‌های بنیاد مسکن در حوزه تأمین زمین است.

وی افزود: در بازه ۱۵ سال گذشته، در مجموع ۱۳ هزار و ۹۵۸ قطعه زمین واگذار شده که میانگین سالانه آن حدود ۹۳۰ قطعه بوده؛ اما در سه سال اخیر، این آمار ۶ هزار و ۳۹۴ قطعه زمین بوده که میانگین سالانه آن به بیش از ۲ هزار و ۱۳۰ مورد می‌رسد؛ موضوعی که نشان می‌دهد هر زمان اراده و همت بیشتری وجود داشته باشد، می‌توان خدمات گسترده‌تری را به مردم ارائه کرد.

مدیر کل بنیاد مسکن خراسان رضوی با تأکید بر ضرورت تداوم واگذاری اراضی ۹۹ ساله تصریح کرد: برخی معتقدند ارزش بالای این اراضی مانع واگذاری شود، در حالی که این زمین‌ها متعلق به مردم است و باید در اختیار متقاضیان قرار گیرد. حتی اگر امکان واگذاری رایگان زمین وجود داشته باشد، باید در همین مسیر حرکت کنیم؛ زیرا هدف اصلی، خانه‌دار شدن مردم و کاهش مشکلات اقشار کم‌درآمد است.

صدر اسناد مالکیت شتاب گرفت

منبئی همچنین به عملکرد بنیاد مسکن در حوزه صدور سند مالکیت اشاره کرد و گفت: در سه سال اخیر ۲۶ هزار و ۲۶۹ فقره سند مالکیت صادر شده که میانگین سالانه آن ۸ هزار و ۷۵۶ سند است. این در حالی بوده که در ۱۵ سال گذشته در مجموع ۱۹ هزار و ۸۲۵ سند مالکیت صادر شده که میانگین سالانه آن حدود هزار و ۲۲۲ سند بوده است.

وی ادامه داد: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از ابتدای تأسیس تاکنون، در راستای اجرای طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده‌ها، ۲ هزار و ۲۵۸ قطعه زمین را در ۳۴۵ روستای استان به متقاضیان واگذار کرده است. از طرفی، در سه سال اخیر ۱۱۳ قطعه زمین در ۳۰۹ روستا به متقاضیان طرح جوانی جمعیت واگذار و ۲۶ هزار و ۲۶۹ سند روستایی ۸ هزار و ۳۲۶ سند شهری صادر شده است.

مدیر کل بنیاد مسکن خراسان رضوی با اشاره به افزایش مشارکت مالکان خصوصی در طرح‌های تأمین زمین اظهار کرد: در گذشته عمده فعالیت‌ها بر اراضی ملی متمرکز بود؛ اما امروز مالکان خصوصی نیز برای همکاری با بنیاد مسکن اعلام آمادگی می‌کنند. برخی مالکان با اراضی ۱۰۰ تا ۲۰۰ هکتاری به بنیاد مراجعه و آمادگی خود را برای مشارکت در اجرای طرح‌های مسکن و واگذاری زمین به اقشار نیازمند اعلام می‌کنند که این موضوع نتیجه اعتماد مردم به عملکرد بنیاد مسکن است.

منبئی خاطر نشان کرد: در برخی مناطق استان، قطعاتی با ارزش بیش از ۱ میلیارد تومان در قالب طرح جوانی جمعیت و اجاره ۹۹ ساله به متقاضیان واگذار شده؛ زیرا این اراضی متعلق به مردم بوده و باید در خدمت رفح نیاز آن‌ها قرار گیرد. با تداوم این رویکرد، زمینه‌خانه‌دار شدن همه اقشار کم‌درآمد و محروم استان فراهم می‌شود و هیچ خانواده‌ای به دلیل نداشتن مسکن، از حداقل‌های زندگی محروم نمی‌ماند.

فرماندار مشهد خبر داد

سه‌میه ۱۰ درصدی آرد اضافه برای محرم و صفر

فرماندار ویژه مشهد، در شورای آرد و نان شهرستان از تخصیص ۱۰درصد آرد بیشتر به نانوبای‌های منتخب‌اتراف حرم مطهر رضوی در ایام محرم و صفر خبر داد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری خراسان رضوی، سیدحسین حسینی در شورای آرد و نان شهرستان با اشاره به تحویل آرد در ماه‌های محرم و صفر به نانوبای‌های اطراف حرم مطهر رضوی اظهار کرد: برای ۳۷ ونابوای و نانوبای‌های منتخب‌اطراف حرم مطهر رضوی که به لحاظ موارد «بهداشتی، انصاف و کیفیت‌نان» عملکرد خوبی دارند، ۱۰درصد آرد بیشتر تحویل داده خواهد شد.

وی به توزیع نان در موب‌ها در ایام تشییع و تدفین بیکر مطهر رهبر شهیدانقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: با توجه به وجود کاررتخوان نانینودستگاه‌کاررتخوان دوم نانوبای‌ها باید جمع‌آوری شود. همچنین نرخ‌نامه حتماً باید در معرض دید قرار داشته باشد. همه واحدهای تولیدی نان مسطح نوع ۶ مشابه نانوبای‌های یارانه‌ای باید برای اخذ دستگاه‌ناینونواقام کنند.

فریده خسروی | می‌گویند ریاضیات زبان هستی

است؛ اما شاید کمتر کسی بداند پشت این زبان، آدم‌هایی هستند که عمرشان را وقف کرده‌اند تا آن را غنی تر، گویاتر و دسترس پذیرتر کنند. دکتر محمد صالح مصلحیان نیز یکی از همین آدم‌هاست که عمر علمی خود را در این مسیر طی کرده است.

او را می‌توان با عناوین بسیاری معرفی کرد؛ رئیس دانشکده علوم ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد، عضو آکادمی علوم ایران، عضو وابسته آکادمی علوم جهان (TWAS)، بنیان‌گذار و سردبیر سه مجله بین‌المللی معتبر در انتشارات اشپرینگر و بیرکهاوزر، عضو ارشد مرکز بین‌المللی فیزیک نظری عبدالسلام (ICTP)، استاد مدعو در دانشگاه‌های لیلز، کارلستاد و دانشگاه‌های، ژاپن و چین، رئیس پیشین انجمن ریاضی ایران، برنده جایزه ملی علامه طباطبایی از بنیاد علم ایران و برندهٔ جایزه رجبعلی‌پور از انجمن ریاضی ایران در سال ۲۰۲۵؛ اما شاید هیچ‌کدام از این عناوین آنچه را که این گفت‌وگو آشکار می‌کند، به تنهایی نشان ندهد.

او ریاضی‌دانی است که خود را به بلدوزری تشبیه می‌کند که جاده‌های رفته را می‌گشاید؛ دانشمندی که در زمان قطعی اینترنت، با پرداخت هزینه خیلی بیشتر از نرخ معمول، تنها برای آن‌که به وظیفه‌اش به‌عنوان سردبیر بین‌المللی عمل کند، از پا ننشست؛ استادی که با صدقاتی تمام به دانشجویانش در مقطع دکترا می‌گوید دورنمای روشنی پیش رو نیست؛ اما خود لحظه‌ای از تلاش دست نمی‌کشد.

دکتر صالح مصلحیان به آن جمله معروف نیوتن باور دارد که گفت بر شانه‌های غول‌ها ایستاده و نام عمر کوشیده تا خود نیز شانه‌ای محکم برای نسل بعد باشد. به این اعتقاد دارد که موفقیت، یک درصدش الهام است و ۹۹درصدش عرق ریختن؛ البته کارنامه زندگی اش، سند زنده همین باور است.

در این گفت‌وگو، از ریاضیات محض و کاربردی می‌شنویم، از نقش علم در زندگی روزمره، از دردهای آموزش و پژوهش در ایران، از آنچه یک سیستم را ماندگار می‌کند و از نگاه مردی که ۶۰ سال از عمرش را صرف ساختن کرده است.

چه لحظه‌ای رویدادی موجب شد دل‌باخته ریاضیات شوید؟ آیا معلمی، کتابی یا مسئله‌ای خاص در این مسیر مؤثر بود؟

زمانی که دانش آموز دوره راهنمایی بودم (که امروز به آن متوسطه اول می‌گویند)، در سال‌های آخر حکومت پهلوی، معلم ریاضی عزیز داشتیم به نام زنده‌یاد «حسین مشرفی». ایشان فقط به تدریس کتاب درسی اکتفا نمی‌کرد و مطالب شگفت‌انگیزی به ما یاد می‌داد؛ مثلاً از «هندسه ناقلیدسی» می‌گفت و از مثلث‌هایی حرف می‌زد که مجموع زاویه‌هایشان بیشتر از ۱۸۰ درجه است. همین حرف‌های او سبب شد از همان زمان علاقه عجیبی به ریاضیات در وجودم شکل بگیرد.

سال اول دبیرستان که بودم، کتاب‌های قدیمی ریاضی را می‌خواندم، مسئله‌هایشان را حل می‌کردم و جواب‌ها را به معلم هنده‌سام، جناب آقای «علی عبائی» نشان می‌دادم. ایشان هم همیشه تشویقم می‌کرد. یک روز در زنگ ورزش، با محبت فراوان مرا صدا زد و یک کتاب مثلثات به من هدیه داد. یادداستی که آن استاد بزرگوار در ابتدای کتاب برام نوشته، هنوز هم برای من مثل یک گنج با ارزش است.

در دهه ۱۳۶۰، بیشتر دانش‌آموزان با استعداد رشته ریاضی ترجیح می‌دادند برای دانشگاه به رشته پزشکی بروند؛ اما من با وجود اینکه رتبه کنکورم عالی بود، رشته ریاضی را انتخاب کردم و از این تصمیم هم خیلی خوشحالم. شاید برایتان جالب باشد که ما دانش‌آموزان آن سال‌ها، هنوز هم هر سال روز معلم دور هم جمع می‌شویم تا از معلم‌هایمان بابت تمام زحماتشان قدردانی کنیم.

یک پژوهشگر ایرانی چگونه می‌تواند در رقابت با دانشمندان کشورهای پیشرفته دیده شود؟

در کشورهایی که به آن‌ها «در حال توسعه» می‌گویند؛ مثل هند، ترکیه و ایران، دانشمندان بسیار برجسته‌ای وجود دارند؛ اما یکی از ضعف‌های بزرگ این کشورها، نبود یک سیستم منظم و پویا در بخش آموزش و پژوهش است. به همین خاطر، پیشرفت‌ها بیشتر بر پایه تلاش و استعداد فردی است. برای مثال، ممکن است یک دانشگاه با مدیریت یک فرد توانمند مدتی در مسیر رشد قرار بگیرد؛ اما با رفتن او همه چیز تغییر یابد و دوباره افت کند. پیشرفت در این کشورها مثل یک منحنی سینوسی، مدام بالا و پایین می‌شود و به قول معروف، «گهی پشت به زین و گهی زین به پشت» هستیم.

با شرایطی که دانشگاه‌ها دارند، یک جوان ایرانی باید در ایران بماند یا برود؟

بین سیستم آموزشی و پژوهشی ایران و کشورهای پیشرفته تفاوت‌های زیادی وجود دارد. من معتقدم حتی یک آدم معمولی هم اگر در یک دانشگاه خوب درس بخواند، می‌تواند به یک دانشمند بزرگ تبدیل شود؛ اما انجام این کار در ایران واقعاً سخت است. سال‌ها پیش مقاله‌ای نوشتم به نام «سبب در کویر» که خلاصه‌اش

گفت‌وگو با رئیس دانشکده علوم ریاضی دانشگاه فردوسی مشهد و بنیان‌گذار و سردبیر سه مجله بین‌المللی

از ریاضیات در زندگی روزمره تا همکاری با دانشگاه‌های معتبر جهان



این بود: اگر شما بهترین پز خربزه را هم داشته باشید؛ اما آن را در کویر بکارید، شاید جوانه بزند؛ ولی خیلی زود خشک می‌شود؛ اما اگر همان بذر را در خاک خوب بکارید، به یک خربزه شیرین و خوشمزه تبدیل می‌شود. پرسیدید آیا تحصیل در کشورهای پیشرفته خوب است؟ بله. اگر عاشق علم هستید؛ اما آیا برگشتن به ایران خوب است؟ بی‌شک برای کشور مفید است؛ اما مشکل اینجاست که شرایط کار و پیشرفت برای کسانی که در رشته خودشان برجسته‌اند، در ایران چندان فراهم نیست. گاهی این افراد احساس می‌کنند از توانایی‌هایشان به درستی استفاده نمی‌شود. به همین خاطر ترجیح می‌دهند در دانشگاه‌های خارج از کشور بمانند. البته خیلی از آن‌ها مدام به ایران رفت‌وآمد دارند، برای دانشجویان، کارگاه آموزشی می‌گذارند و به پژوهشگران ایرانی در پروژه‌های مختلف کمک می‌کنند.

تفاوت دانشجوی امروز با دانشجوی ۳۰ سال پیش در چیست؟ آیا بهتر شده یا بدتر؟

نسل جدید با نسل ما خیلی فرق دارد. زمان دانشجویی ما نه اینترنتی بود، نه ماهواره‌ای و نه تلغن همراهی. به همین خاطر تصویر خیلی محدودی از بیرون ایران داشتیم. کار ما فقط درس خواندن بود و هر چه استاد می‌گفت، بدون هیچ حرفی قبول می‌کردیم؛ اما الان زمانه عوض شده است. جوان‌های «نسل زد» به خاطر دسترسی به اینترنت، فضای مجازی و هوش مصنوعی، شناخت خیلی بهتری از دنیا و آرزوهایشان دارند. فکر می‌کنم آن‌ها دنیا را خیلی دقیق‌تر از ما می‌بینند؛ چون تجربه زندگی‌شان گسترده‌تر است.

جوان‌های امروز خیلی بیشتر از دانشجویان ۴۰ سال پیش، از حقوق خودشان خبر دارند و آن را مطالبه می‌کنند. در زمان ما این آگاهی وجود نداشت؛ آموزش یک‌طرفه بود و هیچ‌کس از استاد نمی‌پرسید: «چرا باید این‌ها را حفظ کنیم؟» یا «این درس چه کاربردی دارد؟» اما نسل جدید این سؤال‌ها را از استاد می‌پرسند و اگر استاد جوابی نداشته باشد، دیگر برایش اعتباری قائل نیستند.

آیا هوش مصنوعی، آینده ریاضی دانان را تهدید می‌کند؟

هوش مصنوعی به زودی تمام ابعاد زندگی ما را تغییر می‌دهد و زندگی بدون آن سخت می‌شود؛ درست مثل اینترنت که الان بخش جدانشدنی زندگی ماست. ممکن است بعضی‌ها نیمه خالی لیوان را ببینند و بگویند هوش مصنوعی، انسان را اسیر خودش می‌کند؛ اما به نظر من این مسائل نگران‌کننده نیست و می‌شود آن‌ها را کنترل و حل کرد.

شما پژوهشگر برتر کشوری هستید. ریاضی دانان هنگام اندیشیدن چه فرآیندی را در ذهن تجربه می‌کنند؟ لطفاً برایمان توصیف کنید.

پرسش خیلی خوبی است. خلاقیتی که ما در حل مسائل ریاضی به کار می‌بریم، برای ما ریاضی‌دان‌ها واقعاً زیباست و دست‌کمی از خلق یک اثر هنری ندارد. گاهی از من می‌پرسند: «آیا پیش آمده که در خواب مسئله‌ای را حل کنید؟» بله. یک بار دوران کارشناسی، تمام روز روی مسئله‌ای فکری کردم و شب در خواب، ایده‌ای به ذهنم رسید. خوشبختانه صبح که بیدار شدم، آن ایده یادم بود و توانستم مسئله را حل کنم. پس ما ریاضی‌دان‌ها هم گاهی به قول معروف «خواب‌نما» می‌شویم!

«پاولف» روان‌شناس معروف، سخنی درباره کار پژوهشی گفته که سال‌هاست آویزه گوشم شده است. او می‌گوید: «وقتی روی مسئله‌ای تحقیق می‌کنی، با فکر آن بخواب، صبح با یاد آن بیدار شو و حتی سر سفره صبحانه و ناهار و شام هم به آن فکر کن». یک دانشمند برای اینکه کار عمیقی انجام دهد، باید با آن مسئله زندگی کند. پژوهش باید مداوم و با تمام قدرت فکری انجام شود تا به نتیجه برسد.

مردم هنگامی که می‌فهمند ریاضی‌دان هستید، چه می‌گویند؟

به خاطر دقت زیادی که در ریاضی وجود دارد، خیلی‌ها

فکر می‌کنند معلمان ریاضی «سختگیر» هستند؛ اما من ترجیح می‌دهم بگویم ما «جدی» هستیم. متأسفانه چون آموزش ریاضی در مدرسه‌ها از کیفیت خوبی برخوردار نیست، خیلی از مردم خاطره خوشی از این درس ندارند.

برای اینکه متوجه شوید ما ریاضی‌دان‌ها چقدر دقیق هستیم، این لطفیه را بشنوید: می‌گویند یک مهندس، یک فیزیک‌دان و یک ریاضی‌دان با قطار در اسکاتلند سفر می‌کردند. مهندس از پنجره بیرون را نگاه کرد و یک گوسفند سیاه دید و گفت: «ببینید! همه گوسفند‌های اسکاتلند سیاه هستند». فیزیک‌دان گفت: «نه، فقط بعضی از گوسفند‌های اسکاتلند سیاه هستند». ریاضی‌دان که به حرف‌های آن‌ها گوش می‌داد گفت: «هر دو اشتباه می‌کنید؛ در اسکاتلند حداقل یک مزرعه وجود دارد که در آن دست‌کم یک گوسفند هست که حداقل یک طرف بدنش سیاه است!»

یک روز برای خرید میوه به یک بساطی کنار خیابان رفتم. یکی از همکارانم و همسرش آنجا بودند. مرا که دیدند، سلام کردند و گفتند: «آقای دکتر حالتان چطور است؟» میوه‌فروش فکر کرد من پزشک هستم.

وقتی آن‌ها رفتند، میوه‌فروش با خوشرویی صدایم زد:

«بفرمایید آقای دکتر!» و یک سبد میوه عالی از زیر پرده بیرون آورد و به من داد.

یک هفته بعد دوباره پیش همان میوه‌فروش رفتم. تا مرا دید، گفت: «آقای دکتر چطوری؟» و بلافاصله پرسید: «آقای دکتر، من اعتیاد دارم. به نظرتان چه کار کنم؟ باید خونم را عوض کنم یا راه دیگری دارد؟»

پاسخ دادم: «دوست عزیز، من دکتر مغزم». گفت: «خب من سردرد هم می‌شوم!» پاسخ دادم: «نه، من دکتر ریاضی هستم و با فکر و مغز سر و کار دارم». با تعجب پرسید: «یعنی شما پزشک نیستید؟» جواب دادم: «نه، اصلاً». گفت: «آها، که این‌طور!» پرسیدم: «حالا میوه‌های خوبت کجاست؟» گفت: «میوه خوب نداریم، همه‌اش همین‌هایی است که می‌بینید!»

اگر بخواهید ریاضیات را به نوجوانی چهارده ساله که از آن بیزار است، معرفی کنید، چه می‌گویید؟

خاطرات تلخ درسی هیچ‌وقت از یاد نمی‌روند. آشتی دادن دانش‌آموزان با ریاضی کار سختی است و با یک جلسه مشاوره حل نمی‌شود؛ معلم خوب لازم است. همیشه به خانواده‌هایی که فرزندشان در درس ریاضی ضعیف است، می‌گویم سخت نگیرید؛ چون درس خواندن، تنها راه موفقیت در زندگی نیست.

من به دانشجویانم یاد می‌دهم چطور در شرایط خاص، ۲+۲ می‌تواند یا ۵ یا ۱۲ شود! باید ریاضی را مخصوصاً در دبستان، با بازی و وسایل کمک آموزشی یاد بدھیم تا برای بچه‌ها جذاب باشد.

به‌عنوان عضو فرهنگستان علوم کشور، آیا رتبه‌بندی‌های مبتنی بر شاخص‌های کمی علم‌سنجی را معیاری دقیق برای سنجش کیفیت علمی می‌دانید یا نقدهایی به آن‌ها دارید؟

در دنیای تحقیق و پژوهش، متأسفانه کشورهای در حال توسعه درگیر آمار و ارقام شده‌اند و بیشتر به تعداد مقالات اهمیت می‌دهند تا کیفیت آن‌ها. یکی از دلایلش این است که سیستم داوری درستی ندارند و ارتباطشان با دانشمندان تراز اول دنیا کم است. من بارها برای استخدام یا ارتقای استادان در داخل و خارج از کشور داور بوده‌ام. یک بار در کمیته استخدام، داوطلبی بود که ۳۰ مقاله داشت؛ ولی ما فردی را انتخاب کردیم که فقط هفت مقاله داشت؛ چون متوجه شدیم کارهای آن فرد چقدر عمیق‌تر و ارزشمندتر است و درک ریاضی‌اش اصلاً با نفر دیگر قابل مقایسه نیست.

آنچه واقعاً اهمیت دارد، نظر متخصصان آن رشته درباره شماس‌ت، یک دانشمند واقعی کسی است که اهل فن او را بشناسند. تعداد مقاله و تعداد ارجاعات به تنهایی مهم نیست؛ ملاک اصلی این است که یک پژوهشگر چقدر در کارش بینش و خلاقیت دارد، کارهایش چقدر عمیق بوده و پژوهش‌هایش چه تأثیری در دنیای علم گذاشته است.

به‌عنوان رئیس پیشین انجمن ریاضی ایران، بزرگ‌ترین چالش توسعه پژوهش ریاضی در ایران را چه می‌دانید؟

زمانی که دانشجو بودم، استادم گفت: «علم مثل یک کالسکه است که چهار چرخ دارد؛ سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع. اگر هر کدام از این چرخ‌ها نچرخد، کالسکه علم حرکت نمی‌کند». وقتی جامعه‌ای مثل ما با مشکلات اقتصادی و فرهنگی دست و پنجه نرم می‌کند، طبیعی است که نمی‌توان انتظار داشت علم پیشرفت زیادی داشته باشد و با کشورهای پیشرفته رقابت کند.

وقتی اوضاع سیاسی و اقتصادی به هم می‌ریزد، نخستین جایی که ضربه می‌خورد، علم و پژوهش است. پژوهشگری که دغدغه نان و زندگی دارد، دیگر توان روحی برای تحقیق ندارد. در یک محیط سالم که اقتصاد و سیاستش درست باشد، علم هم خودبه‌خود رشد می‌کند. البته ما تک‌ستاره‌هایی مثل مدال آوران المپیاد داریم؛ اما بیشتر این‌ها با تلاش شخصی خودشان به جایی رسیده‌اند و سیستم آموزشی نقش زیادی در موفقیتشان نداشته است.

شما راهنمایی بیش از ۲۰ دانشجوی مقطع دکترا را بر عهده داشته‌اید. بفرمایید مهم‌ترین ویژگی‌ای که در این دانشجویان موفق مشاهده کرده‌اید، چیست؟

من دانشجویان بسیار باهوشی داشتم که چون اهل تلاش نبودند، شکست خوردند و مقطع دکترا را رها کردند. من دانشجویی را که استعداد معمولی دارد؛ اما پشتکارش زیاد است، ترجیح می‌دهم؛ چون می‌توانم او را به خوبی راهنمایی کنم تا به نتیجه برسد. به دانشجویانم به شوخی می‌گویم: «وقتی وارد کار پژوهشی می‌شوید، تحقیق باید برایتان از نفس کشیدن هم واجب‌تر باشد؛» یعنی اولویت نخست زندگی‌تان باید پژوهش باشد و پس از آن به کارهای دیگر برسید.

چه توصیه‌ای به جوانانی دارید که می‌خواهند در سطح بین‌المللی دیده شوند؟

همکاران جوان و دانشجویان دکتری ما باید با تیم‌های تحقیقاتی دنیا ارتباط بگیرند و پروژه‌های مشترک انجام دهند. این اقدام همیشه سطح کار آن‌ها را بالا می‌برد. شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی هم خیلی مهم است؛ اما متأسفانه مدتی است به دلیل هزینه‌های سنگین و سخت‌گیری در صدور روادید، سفر به خارج از کشور برای پژوهشگران ما خیلی دشوار شده است.

با کدام مراکز یا پژوهشگران بین‌المللی همکاری نزدیک‌تری داشته‌اید؟

من با بیش از ۸۰ همکار بین‌المللی از کشورهای مختلف مثل آمریکا، کانادا، آلمان، روسیه، ژاپن و چین همکاری داشته‌ام. علاوه بر سفرهای علمی زیاد، به‌عنوان استاد میهمان در دانشگاه‌های ایتالیا، سوئد و انگلستان حضور داشتم و در کنفرانس‌های بزرگ دنیا سخنرانی کردم. حدود ۳۰ سال است که سردبیر سه مجله بین‌المللی ریاضی در انتشارات «اشپرینگر» آلمان هستم. این کار موجب شده ارتباطات جهانی‌ام قوی‌تر شود و همیشه بدانم که در دنیای علم، الان چه موضوعاتی مهم هستند و دانشمندان روی چه مسائلی کار می‌کنند.

ریاضیات در زندگی روزمره ما چه نقش و کاربردی دارد؟

ریاضی زبان علم است؛ یعنی مفاهیم علمی را می‌شود با ریاضی دقیق‌تر توضیح داد و به کمک مدل‌های ریاضی، اتفاقات جهان را پیش‌بینی کرد. ریاضی در تمام زندگی ما حضور دارد. حدود ۲۰ سال پیش، نمایشگاهی در دانشگاه فردوسی مشهد راه‌انداختیم و با ۳۰ پوستر رنگی از انجمن ریاضی آمریکا نشان دادیم هر شاخه از ریاضی کجا به کار می‌آید؛ به طور مثال برای ساخت ربات و کنترل حرکت دست‌های آن از «جبر خطی و ماتریس» استفاده می‌شود. پیش‌بینی وضعیت هوا بر پایه «معادلات دیفرانسیل» است. در تحلیل بورس، مدل‌سازی بیماری‌های واگیردار، ساخت ژن‌ها و حتی تنظیم دقیق زاویه تابش در پرتودرمانی برای نابود کردن سلول‌های سرطانی، همگی مدیون ریاضیات هستند. حتی معماری هم بدون هندسه معنا ندارد.

به‌عنوان استاد نمونه کشوری، رمز موفقیت خود را در چه می‌دانید؟

در نهایت، اگر در نوشتن کتاب‌هایم به زبان‌های فارسی و انگلیسی، تدریس در دانشگاه‌و کارهای علم‌ام موفقیتی داشته‌ام، همه‌ار مدیون تلاش مستمر خودم و حمایت‌های فراموش‌نشدنی خانواده، معلمان و همکارانم هستم. در تمام این‌سال‌ها هر کاری کردم، به خاطر اهمیت آن، عشق به علم ولذت بردن از آن بود و مسائل مالی همیشه برام در اولویت دوم قرار داشت. اجازه بفرمایید سخن را با این جمله «توماس ادیسون» به پایان ببرم: «نبوغ یعنی یک درصد الهام گرفتن و ۹۹درصد عرق ریختن».